بيانات معظم له در ديدار دانشجويان و دانش آموزان در سالروز تسخير لانه جاسوسى آمريكا - 12 /آبان/ 1378

بسم الله الرّحمن الرّحيم
در ابتدا به همه شما جوانان عزيز، دانشجويان، دانش آموزان و عزيزان اين ملت خوشامد عرض مي كنم و اميدوارم كه در ايام متبرّک ماه رجب و ماه شعبان كه در پيش است و ماه رمضان كه به زودي فراخواهد رسيد، دلهاي پاک و گرم و نفسهاي مطهّر شما بتواند با ارتباط صميمي هرچه بيشتر خود با خداي بزرگ، رحمت الهي را براي اين ملت جلب كند.
امروز مناسبت ديدار ما سيزدهم آبان است كه «روز مبارزه با استكبار» نامگذاري شده است و عنوان بسيار مهم و پر عمق و پيچيده و درخور تأمّلي است. جا دارد كه جوانان عزيز، هم كلمه استكبار و هم كلمه مبارزه را پيش خودشان در بحثهاي دانشجويي و دانش آموزي درست بشكافند و به اعماق عنواني كه اصطلاح جديدي است و انقلاب وارد فرهنگ سياسي دنيا كرد، درست برسند. اين، خصوصيتِ همه حركتهاي اصيل و پرمغز و ريشه دار است كه در فرهنگ سياسي عالم، واژه هاي تازه اي را وارد مي كنند تا بتوانند مفاهيم مورد نظر خود را درست ادا كنند. كلمه استكبار و مبارزه با استكبار از اين قبيل است. سه حادثه اي هم كه در مثل سيزده آبان اتفاق افتاده است، مجموعاً و با هم درخور تأمّل و تعمّق و ژرف بيني است. اگر دقت كنيد، هر كدام از اين سه حادثه، يک چهره از استكبار و يک چهره از مردمي را كه در مقابل استكبارند، نشان مي دهد. تركيب اين چهره ها، يک حقيقت سياسي مهم را روشن مي كند.
حادثه اوّل، حادثه تبعيد امام در سال 1343 است. قضيه اين گونه بود كه امريكاييها قانون كاپيتولاسيون را در ايران به كرسي نشاندند. معناي كاپيتولاسيون اين است كه امريكاييها يا افراد وابسته به هر قدرت بيگانه مسلّطي در هر كشور ديگر، اگر جنايتي كردند، دستگاه قضايي آن كشور حق ندارد جنايت آنها را رسيدگي كند، به محاكمه آنها بپردازد و حكم صادر كند! آن روز بيش از دويست هزار نفر امريكايي در مشاغل مختلف در ايران حضور داشتند. معناي اين قانون - كه در مجلس وابسته فاسدِ آن روز به دستور دربار وابسته فاسد تصويب شد - اين بود كه اگر از اين دويست، يا سيصد هزار نفر امريكايي ساكن ايران كه حقوقهاي كلاني مي گرفتند و در همه امور كشور دخالت مي كردند، يک نفر جنايتي مرتكب شد - قتلي كرد، دزدي اي كرد، هر كاري كرد - دادگستري و دستگاه قضايي ايران حق ندارد به او بگويد بالاي چشمت ابروست و بايستي قضاوت درباره او زير نظر امريكاييها انجام شود! اين، يكي از قوانين ذلّتبار براي همه ملتهايي بود كه به آن تن دادند. اما امام تسليم نشدند و مقاومت كردند. فرياد امام در قم، در ميان طلاّب علوم ديني بلند شد و اين قانون را تقبيح كردند. رژيم وابسته هم عكس العمل نشان داد ؛ امام را گرفت و به تركيه تبعيد كرد. اين مربوط به چه شرايطي است؟ اين مربوط به آن شرايطي است كه دولت امريكا با دولت ايران كمال دوستي و همبستگي را دارد با هم منافع مشترک دارند و امريكا در ايران حضور دارد. يكي از نشانه ها و ثمرات حضور قدرت امريكا در كشور ما، همين قضيه است.
قضيه دوم، قضيه سيزدهم آبان سال پنجاه وهفت است كه دوران شور و اعتلاي مبارزات ضدّ رژيم و ضدّ امريكايي در ايران است. اين باز يک چهره ديگر را نشان مي دهد. در چنين روزي، دستگاههاي وابسته به رژيم - كه همه يا بسياري از آنها تربيت شده و دستور گرفته از امريكاييها بودند - حتّي به دانش آموزان هم رحم نكردند. در اين حادثه، دهها دانش آموز كشته شدند. البته هميشه مي كشتند، هميشه برروي مردم فشار مي آوردند ؛ اما اين طور يكجا در شهر تهران اين تعداد دانش آموز به خاک و خون كشيده شوند، اين هم يک چهره ديگر استكبار است. اين مربوط به كجاست؟ اين مربوط به آن جايي است كه مبارزات ملت با آن استكبار زياده طلب و فزوني خواه بالا مي گيرد. در چنين شرايطي، استكبار ديگر به هيچ چيز رحم نمي كند. علي رغم همه شعارهاي انسان دوستي و مردم دوستي و طرفداري از جوانان، حتّي با دانش آموز هم كه سر و كار مي افتد، دهها دانش آموز را به قتل مي رساند!
قضيه سوم، چهره ديگري است. مربوط به آن وقتي است كه همين ملت - كه سالهاي متمادي آن ظلمها و آن تحقيرها و آن دخالتها و آن غارتگريها را تحمّل كرده است - ديگر به پيروزي رسيده است. در دوران پيروزي اين ملت،

امريكا به زاويه رانده شده است ؛ اما اين جا هم دستگاه جاسوسي امريكا از تلاش باز نمي ماند و حركاتي انجام مي دهد كه مردم و امام را دچار سوءظنّ شديد نسبت به سفارت امريكا مي كند و جواناني از ميان دانشجويان، در چنين روزي، از راهپيمايي روز سيزدهم آبان استفاده و سفارت امريكا را تسخير مي كنند. جوانان دانشجو به آن جا رفتند و اسناد و مدارک را جمع آوري كردند و دهها جلد كتاب - در حدود هفتاد جلد يا شايد هم بيشتر - منتشر نمودند كه اين كتابها نشان دهنده ارتباط سفارت امريكا با عناصر وابسته خودشان در داخل كشور ما - بعضي مربوط به قبل از انقلاب، بعضي هم مربوط به بعد از انقلاب - بود. بعضي از آنها حتي در دولت موقّتِ آن روز انقلاب هم منصب و مقام داشتند ؛ يعني امريكاييها دست بر نداشته بودند!

بنابراين، سه چهره از استكبار در روز سيزدهم آبان ماه ديده مي شود: يكي در دوران اوج اقتدار امريكا در ايران كه كاپيتولاسيون را به وجود مي آورد و مقاومت امام را كه مظهر مقاومت ملت ايران بود، و پاسخ جوانان را - كه آن روز، اوّل جوانان حوزه علميه، بعد هم جوانان همه كشور پاسخ دادند - به همراه دارد. قضيه دوم در هنگامِ اوج مبارزات همين ملت با استكبار است كه نشان دهنده خوي درّندگي استكبار است كه حتّي دانش آموز و نوجوان را به خاک و خون مي كشد. قضيه سوم هم مربوط به وقتي است كه اين ملت بعد از سالها اسارت توانسته است روي پاي خود بايستد. انقلابش پيروز شده است و دولت تشكيل داده ؛ اما آنها جاسوسي مي كنند! اين جا ملت مقتدرانه وارد ميدان مي شود و ماجراي سفارت امريكا اتّفاق مي افتد. اينها سه رمز و سه نماد بودند. اگر اين سه قضيه را بر روي هم جمع كنيد، به طور كلّي چهره استكبار، چهره مردم مظلوم، سرنوشت استكبار و سير حركت استكباري در كشور ما شناسايي مي شود.

چرا مردم با استكبار مبارزه كردند و چرا استكبار بد است؟ بايد توجّه كنيد، اوّلين احساسي كه يک ملت در مقابله با روح و خوي استكباري دارد، احساس ديني نيست ؛ احساس غيرت ملي است ؛ احساس هويّت و احساس وجود است ؛ چون استكبار وقتي وارد كشوري شد و بر آن كشور مسلّط گرديد، هويت ملي آن ملت را انكار مي كند. منابع آن كشور را غارت مي كند، در امور سياسي آن كشور دخالت مي كند ؛ اما همه اينها فرع انكار هويّت آن ملت است.

استكبار، اوّل هم كه وارد مي شود، نمي گويد من مي آيم تا هويت ملي شما مردم را انكار كنم ؛ اين طور كه نمي آيد ؛ به بهانه هاي مختلف وارد مي شود. وقتي وارد شد، آن چيزي را كه هدف مي گيرد، هويت ملي است. يعني فرهنگ، اعتقادات، دين، اراده، استقلال، حكومت، اقتصاد و همه چيز را از آن ملت سلب مي كند و در مشت خود مي گيرد ؛ همان چيزي كه در ايران قبل از انقلاب اتّفاق افتاده بود. اين احساس است كه ملتها را در مقابل استكبار به جوش و خروش مي آورد ؛ لذا شما مي بينيد ملتهايي كه اين را هم ندارند، مسلمان هم نيستند، امروز - نه آن روز ؛ آن روز كسي جرأت نمي كرد در مقابل امريكا بايستد ؛ اين راه را ملت ايران باز كرد - تا آن جايي كه مي توانند، در مقابل امريكا مي ايستند.

امروز شما به مناطق مختلف دنيا نگاه كنيد - من حالا نمي خواهم از كشورها اسم بياورم ؛ اما اين خبرها، خبرهاي موجودِ ساري و جاري در دنياست - در فلان كشور كه امريكاييها پايگاه نظامي دارند و به مردم ظلم مي كنند، عليه آنها تظاهرات ملي مي شود. در فلان كشور كه فلان مقام امريكايي مي خواهد برود، مردم قبل از آمدن او روي ديوارها مي نويسند كه نيا! در فلان كشور، فلان قرارداد استعماري و استكباري را با دولت آن كشور امضا مي كند و مردم به جوش و خروش مي آيند ؛ منتها دولتها به خاطر مصالح خودشان نمي گذارند صداهاي مردم همه گير شود. دستگاه تبليغاتي استكبار هم كه دنيا را گرفته است. امروز تقريباً امپراتوري خبري، فضاي تبليغاتي دنيا را پر كرده است. اين راديوهايي كه شما اطلاع داريد به زبان فارسي در ايران امواج منتشر مي كنند، اينها بخشي از همان امپراتوري عظيم خبري براي اغفال ملتهاست ؛ اكثر هم در مشت صهيونيستها يا سرمايه داران بزرگي است كه منافعشان با منافع امريكا گره خورده است. نمي گذارند اين خبرها در دنيا درست پخش شود ؛ اما ملتها در مقابل دخالت استكباري مي ايستند و به جوش و خروش مي آيند. در عين حال هر ملتي اين توفيق و اقبال را ندارد كه بتواند كاري را كه ملت ايران كرد، بكند. امتياز ملت مسلمان ما، همين احساس ايستادگي در مقابل استكبار، همين احساس عزّت ملي و غرور ملي و احساس مقابله با آن قدرتي است كه مي خواهد وجود او را انكار كند. ملت ايران، كار كارستان و جانانه اي

كرد ؛ براي همين هم با ملت ايران بسيار بسيار بدند. كاري كه ملت ايران كرد، تا آن روز هيچ ملتي با امريكا نكرده بود. با تجربه هايي كه برايشان پيش آمد، تا امروز هم نگذاشته اند كه اين تجربه در ملتها و در كشورهاي ديگر تكرار شود ؛ ولي البته نخواهند توانست. قدرت ملتها بالاخره فائق خواهد آمد ؛ كه حالا اين به عهده آينده است و اگر ما هم نبينيم، شما ان شاءالله آن روزها را خواهيد ديد.

مقابله ملت ما با استكبار، ريشه ديني هم دارد. كلمه استكبار و مستكبر و در مقابلش استضعاف و مستضعف، در قرآن هست. وقتي ملت ما با اين روحيه در مقابل امريكا و دستگاه فاسدِ وابسته به امريكا ايستاد، يک پشتوانه عظيم از اعتقادات و ايمان ديني پشت سرش بود و همين هم توانست او را موفّق كند و پيش ببرد. استكبار وارد هر كشوري مي شود، سعي مي كند آن كشور را تهي كند ؛ يعني تا هر جا بتواند، همه چيز آن كشور را به نفع خود مصادره مي كند. امروز خودِ امريكاييها - يعني همان دستگاه تبليغاتي اي كه گفتم - در صف مقدّم و بعضي قلم به مزدهاي واقعاً حقير و پست، و شايد هم يک عدّه گول خورده و غافل در داخل كشور ما در صفِ پشت سر آنها خيال مي كنند كه اگر امريكا ارتباطاتش با كشوري - مثلاً جمهوري اسلامي - عادّي شد و رابطه برقرار كردند، ناگهان همه مشكلات اقتصادي ملت ايران حل خواهد شد! اگر كسي اين طور فكر كند، خطاي عظيمي مرتكب شده است. ملت ايران، ارتباط با امريكا را يک دوره تجربه كرده است. امريكاييها از سال سي ودو كه زمام قدرت استكباري را در ايران در دست گرفتند، تا سالهاي پنجاه وشش و پنجاه وهفت هرچه داشتيم، از ما گرفتند ؛ هرچه بوده است، بردند. اغلب گرفتاريهاي امروز ملت ايران مربوط به آن دوران و همچنين دوران تسلّط انگليسيهاست. انگليس هم مثل امريكاست ؛ فرقي نمي كند. قبل از امريكاييها، انگليسيها بر سياست ايران مسلّط بودند. از اواخر دوران قاجار تا روي كار آمدن رضاخان، تا بعد - تا سال سي ودو - همه چيز در ايران در دست انگليسيها بود. حكومت مي آوردند، حكومت مي بردند ؛ نفت را مي بردند، منابع را مي بردند ؛ فرهنگ را رقم مي زدند و هر كار مي خواستند، مي كردند. بعد هم امريكاييها آمدند و در آن رقابت بين المللي خودشان، از انگليسيها تحويل گرفتند ؛ مثل يک منطقه مفتوحه!

يک ملت، با ارتباط با دولتي كه اهداف استكباري دارد، هيچ خير و سودي نمي برد. الان ببينيد ؛ كشورهايي كه با امريكا ارتباط دارند - كشورهاي گوناگوني كه در آسيا و آفريقا و ساير جاها هستند - بسته به قدرت خودشان ؛ اگر قدرت علمي بالايي داشتند، اگر در آنها قدرت پيشرفت دانش و فنآوري و استقلال وجود داشته باشد، به همان اندازه مي توانند مقاومت كنند. اگر در درون خودشان نتوانسته باشند يک بناي شامخ به وجود آورند، آن قدرت استكباري امريكا نه فقط به آنها سودي نمي رساند، بلكه از آنها بهره مي برد، به آنها ضربه هم مي زند ؛ آنها را به بازار فروش محصولات خود - چه محصولات نظامي و چه محصولات بي ارزش ديگر - بدل مي كند ؛ به غارت منابع آنها مي پردازد و در همه امور آنها هم دخالت مي كند. اين، هدف استكبار است. در اين سه، چهار سال اخير، گاهي امريكاييها در گوشه و كنار گفتند كه ما مايليم با ايران ارتباط داشته باشيم! سه، چهار سال است كه گاهي اين حرفها را مي زنند. البته اين كه گفتن نداشت ؛ معلوم است كه مي خواهند ارتباط داشته باشند ؛ اما هدف آنها از اين ارتباط چيست؟ اين را پوشيده نگه مي داشتند ؛ تا اين اواخر كه يكي از دولتمردانشان - حالا دولتمردان كه چه عرض كنم ؛ طرف، خانم بود! - ساده لوحي به خرج داد و چيزي را كه آنها نمي گفتند، او در كلماتش افشا كرد! گفت ما با ايران رابطه برقرار مي كنيم ؛ ليكن شرط اين رابطه اين است كه ايران اوّل بايد مسأله اش را با اسرائيل حل كند! بله ؛ اصلاً قضيه همين است. اين را هميشه ما مي گفتيم، اما بعضيها ملتفت نبودند! مسأله اصلي امريكا در رابطه با هر كشوري و بخصوص در رابطه با ايران اسلامي - كه امروز بلندترين پايگاه مبارزه با اسرائيل اين جاست - همين مسأله است.

صهيونيستها گردانندگان سياست امريكايند. ديديد كه همين چند روز قبل، باز آن شخص ديگرشان در محفل صهيونيستها رفت و براي دلخوشي آنها، يا به تعبير وزارت خارجه ما - كه تعبير خوبي است - براي خوش رقصي، در مقابل آنها از ايران بدگويي كرد! مسأله، مسأله صهيونيستهاست ؛ مسأله حضور نيروي غاصب اسرائيل - مثل يک غدّه سرطاني - در قلب ملتهاي اسلامي است كه بزرگترين بدبختيها براي ملتهاي اسلامي از اين ناحيه آمده است.

بنابراين، مسأله ارتباطي كه مطرح مي كنند، مسأله صادقانه اي نيست. ارتباط براي اين است كه بتوانند به طور مرتّب خواسته هاي خودشان را تكرار و ديكته كنند و ما را تهديد نمايند!

ملت ايران كاري كرده است كه قدرتي مثل قدرتِ امروز امريكا و دستگاه استكباري، درمانده است. آن كار اين است كه ملت و دولت ايران و نظام جمهوري اسلامي اعلان كرده اند كه مي خواهند مستقل باشند و در راه آرمانهاي بلند خود، بدون اجازه خواستن از هيچ قدرتي حركت كنند و باقي بمانند. همين را اينها نمي خواهند. اين كه كشور، دولت و ملتي در دنيا هست كه براي رأي امريكا، دخالت امريكا و اراده قاهره اين استبداد بين المللي، وزني قائل نيست، همين براي استكبار بسيار مهمّ و سنگين و از آن طرف، بسيار لاعلاج است. در برابر اين، كاري نمي توانند بكنند ؛ چه كار مي توانند بكنند؟ اگر ما با كسي اعلان جنگ كرده بوديم، مي گفتند شما جنگ طلبيد. اگر ما به ملتي ظلم كرده بوديم، مي گفتند شما ظالميد. اينها را كه نمي توانند بگويند. ملت ايران با هدفهايي كه براي خود تعريف كرده و آنها را آسان هم به دست نياورده است، مي خواهد بدون اين كه قدرتي دخالت كند، بدون اين كه از كسي اجازه بگيرد، در راه شرف و منافع و آرمانهاي خود، با مجاهدتي طولاني حركت كند. دستگاه استكبار نمي تواند اين را ببيند و تحمل كند. مبارزه با استكبار - كه امروز هم مظهر استكبار، دولت و رژيم امريكاست - جزو ذاتِ اين انقلاب و جزو كارها و خواسته هاي اصلي و اساسي اين ملت است. اگر اين ملت مبارزه با استكبار را رها كند، معنايش اين است كه به دخالت بيگانه، به ذلت پذيري و به وضعيت بسيار تهديد آميز قبل از انقلاب تن دهد! همه ي آحاد ملت، اين احساس و اين درک را از مسأله مبارزه با استكبار دارند. البته كساني هم در همان اوّلِ انقلاب و پيش از انقلاب بودند كه اصلاً دل در گرو بيگانه داشتند. همان روزي كه امام كاپيتولاسيون را در منبر عمومي و در ملأعام تخطئه و رد كردند، كساني بودند كه مي گفتند نه، چه اشكالي دارد؟! اينها نه هويت ملي سرشان مي شود، نه غيرت ملي سرشان مي شود، نه عزّت ملي مي فهمند يعني چه، نه مي دانند كه استقلال يک ملت براي پيشرفت او چقدر اثر دارد ؛ اصلاً حاضر نيستند فكر كنند! مردمان حقير و پست و زبوني بودند ؛ آن روز هم بودند ؛ تو همه ي قشرها هم بودند. البته افراد كمي بودند. زياد نبودند ؛ اما بودند. در ميان روشنفكران بودند، در ميان قلم زنها بودند، در ميان ملبّسين به اين لباس - روحاني نماها - بودند ؛ در ميان قشرهاي مختلف بودند. توده ملت، آگاهان ملت، افراد با ايمان، بخصوص دلهاي روشن و مغزهاي داراي تحليل، همه موضع امام را تقويت مي كردند. آن روز هنوز كشتار دانش آموزان در ميان نبود ؛ مي فهميدند كه اين موضع درست است ؛ بسياري هم وارد ميدان مي شدند. وقتي كه مبارزات با آن وسعت شروع شد و چنگ و دندان خونين عوامل امريكا در ايران آشكار گرديد، عدّه بيشتري فهميدند. وقتي انقلاب پيروز شد، دلهاي ناباورتري به راه آمدند و ايمان پيدا كردند ؛ اما در عين حال در همان روز هم من يادم است كه در شوراي انقلاب، بعضي از افراد هيأت دولتِ آن روز كه در شوراي انقلاب شركت مي جستند، كار دانشجويان را تخطئه مي كردند و مي گفتند چرا به سفارت امريكا رفتند؟! اينها دلشان آن طرف بود.

كساني كه دلشان آن طرف است، الان هم هستند. اينها به چيزي به نام استقلال ملي، هويت ملي، شخصيت و عزّت ملي باور ندارند. تربيتهايشان طوري است كه به آنها اجازه نمي دهد درست بفهمند كه حضور يک قدرت استكباري در يک كشور، چقدر براي يک ملت، زيانبار و سنگين است. دستورات اسلام هم براي بعضي از آنها چندان اهميت و ارزشي ندارد. اينها هميشه يک اقليت كوچک بودند ؛ امروز هم هستند. البته فعّاليت مي كنند، تبليغات مي كنند، تبليغات دشمنان اسلام را ادامه مي دهند ؛ اما دلِ متن مردم، بخصوص جوانان - دانشجويان، دانش آموزان و ساير قشرهاي مختلف جوان - هر جا هستند، درک مي كنند كه براي يک ملت، بزرگترين اهانت اين است كه تسليم قدرت استكباري بيگانه باشد. هركس كه اهل تحليل باشد، اين معنا برايش روشن است كه امروز امريكا براي ايران هيچ نقشه اي جز نقشه استكباري ندارد ؛ يعني بازگشت به وضعيت قبل از انقلاب! معلوم است كه ملت ايران در مقابل اين نقشه مي ايستد. اين، آن جهتگيري ضدّ استبدادي ملت ايران است. البته تلاشهايي از طرف دشمنان هست: تبليغات مي كنند، حرف مي زنند، سفسطه مي كنند ؛ بعضي حتّي سعي مي كنند روز سيزده آبان را - كه روز مقاومت در مقابل استكبار است - به روز نرمش در مقابل امريكا تبديل كنند! اگر نگوييم ساده لوحي است، ناچاريم بگوييم خيانت است ؛ منتها چون انسان نمي خواهد بگويد خيانت، لابد اين كارها از روي ساده لوحي و غفلت است. شما جوانان بايد خيلي هوشيار و بيدار باشيد ؛ بايد اهداف دشمن را بشناسيد. امروز قدرت استكباري امريكا هدفش تسلط بر دنياست و اين چيزي نيست كه پنهان و پوشيده باشد. حتي دولتهاي اروپايي از تهاجم فرهنگي و از دخالت و از

نفوذ مداخله جويانه پول امريكا گله دارند. مسأله، مسأله تصرّف و دست اندازي است. البته كشورهايي هستند كه نمي توانند مقاومت كنند و بايستند ؛ اما ملت ايران ايستاده است. آن طرفِ مقابل هم تهديد مي كند، تطميع مي كند، چرب زباني مي كند، تبليغات مي كند ؛ از همه اينها هم يک هدف را دنبال مي كند، تا اين كه راهي بگشايد و مجدّداً وارد كشور ايران شود و دوباره بساطش را پهن كند و بتواند آن وضع شرم آور قبل از انقلاب را براي ملت ايران تكرار نمايد ؛ اما بدون ترديد ملت ايران در مقابل اين طمعهاي استكباري، با قدرت تمام خواهد ايستاد.

بحمدالله امروز جمهوري اسلامي در سطح دنيا داراي عزّت و چهره پيشرونده است. تلاشهاي امريكاييها براي اين كه بتوانند ملت و دولت ايران را محاصره كنند و در انزوا بيندازند، به جايي نرسيده است و هرگز هم به جايي نخواهد رسيد. ملت ما پشتِ سر مسؤولان نظام ايستاده است. شناختن دشمن از همه مهمتر است. دشمن سعي مي كند خود را دوست جلوه دهد و شعارهاي ملتها را عوض كند ؛ كمااين كه شعار ضدّيت با صهيونيسم را در ميان بعضي از دولتمردان عرب، تبديل به يک شعار انحرافي كردند! يكي از كارهايشان تبديل كردن شعارهاست. ملت و دولتي تسليم مي شود كه دشمن را درست نشناسد، يا دچار فساد و بدبختي باشد ؛ اما اگر دشمن شناسي بود - كه من اين توصيه را به جوانان دارم - آن وقت شعارها، شعارهاي روشن و آگاهانه اي خواهد بود و آنچه كه دشمن مي خواهد، به فضل پروردگار آن را در ميان ملت ايران به دست نمي آورد. اميدواريم خداي متعال شما جوانان را حفظ كند. با نور هدايت خود همه دلها را هدايت كند و گامهاي ملت ايران را استوار بدارد و دشمنان ملت ايران را منكوب فرمايد و ان شاءالله شما جوانان با توجّهات ولي عصر ارواحنافداه آينده هاي روشن و درخشان را در اين كشور ببينيد و با دستِ خودتان بسازيد.

والسّلام عليكم و رحمةالله و بركاته